

حادثه ها

خواستگار نکام خانواده دختر را به گلوله بست

■ **مهر:** پسری جوان به دلیل شنیدن جواب رد، خانواده دختر موردعلاقه‌اش را به گلوله بست و سه نفر را به قتل رساند. این جوان که ساکن شهر نورآباد از توابع شهرستان دلفان است، ساعت ۲۰:۳۰ دوشنبه به خانه دختر موردعلاقه‌اش رفت و به دلیل شنیدن جواب رد اعضای این خانواده را به گلوله بست. این تیراندازی موجب کشته شدن دختر، مادر و پسر خانواده همچنین زخمی شدن یک نفر از اعضای خانواده شد که حال مجروح حادثه نیز وخیم گزارش شده است. معاون سیاسی امنیتی استانداری لرستان که عازم شهرستان دلفان شده و در محل حادثه حضور پیدا کرده بود، با تأیید حادثه رخداده، اظهار گفت: تنها مجروح حادثه به خرم‌آباد برای مداوا اعزام شده‌است. حسن شریعت‌نژاد گفت: متأسفانه ضارب از محل متواری شده و با استناد به آخرین اطلاعات هنوز دستگیر نشده است. وی افزود: ضارب پس از اقدام به تیراندازی از محل به وسیله ماشین فرار و در یکی از جاده‌های فرعی ماشین خود را رها کرد و متواری شد.

دستگیری قاتلان فراری

■ **پلیس خبر:** قاتالی که ۱۷ ضربه چاقو مرتکب قتل شده بودند، در کمتر از ۲۲ ساعت دستگیر شدند. سرهنگ ابوالقاسم حیدری- فرمانده انتظامی تایباد-در این باره گفت: «در پی اعلام مفقودی فردی توسط بستگان وی، تحقیقات آغاز شد تا اینکه جنازه این جوان ۲۲ ساله در جنگل‌های اطراف تایباد کشف شد.» فرمانده انتظامی تایباد در ادامه خاطر نشان کرد: ماموران با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات پلیسی یک زن و دو مرد را در کمتر از ۷۲ ساعت دستگیر کردند که متهمان به جرم قتل اعتراف کردند.»

سارق بدشانی در محاصره مردم



■ **شرق:** سارق بدشانی که یک‌سال قبل حین کیف‌بازی توسط شهروندان به دام افتاده بود، چند ماه پس از آزادی از زندان بار دیگر پس از دزدیدن کیف‌نرزی جوان دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما، عصر روز ششم شهروند شهروندانی که از میدان خراسان عبور می‌کردند با صحنه سرقت کیف زنی جوان توسط یک کیف‌باز روبه‌رو شدند. مرد موتورسوار که نتوانسته بود از غفلت طعمه‌اش استفاده کند در یک چشم به هم زدن کیف زن جوان را قاپید و با افزایش سرعت موتورسیکلتش تلاش کرد از آنجا فرار کند. در این حین زن جوان، شوهرش و

افرادی که شاهد این صحنه بودند با پای پیاده شروع به تعقیب مرد سارق کردند اما این تعقیب چندان طولانی نشد و کمی آن‌سوتر مرد موتورسوار با یک خودرو تصادف کرد و نقش زمین شد. در این لحظه زن جوان و شوهرش که به سارق نزدیک‌تر شده بودند با کمک مردم او را دستگیر کردند. دقایقی بعد ماموران سر رسیدند و جوان کیف‌قاپ به نام علی را به کلانتری منتقل کردند. متهم که همه شواهد را علیه خود می‌دید، در بازجویی‌های مقدماتی اظهارش را پذیرفت و گفت تاکنون ده‌ها فقره کیف‌بازی مرتکب شده است. بررسی سوابق علی نشان داد او سال گذشته نیز حین کیف‌بازی توسط شهروندان بازداشت شده بود. در آن ماجرا علی بعد از سرقت کیف‌نرزی در بلوار ابوذر شمالی تلاش کرده بود، فرار کند اما پلیس با کمک مردم او را دستگیر کرده بود. او چند روز قبل نیز حین یک سرقت با بدشانی تمام مجبور شده بود موتورسیکلت‌ش را هنگام فرار جا بگذارد و با پای پیاده بگریزد. در حالی که سلفه‌دار بودن علی سبب شده بود ماموران با حساسیت بیشتری تحقیقات را ادامه دهند، متهم بیکاری را انگیزه اصلی‌اش از ارتکاب این سرقتها اعلام کرد. او گفت: پس از آنکه از زندان آزاد شدم، نتوانستم شغل مناسبی پیدا کنم. به همین دلیل تصمیم گرفتم باز هم کیف‌بازی کنم. از طرفی به مواد مخدر هم معتاد شده بودم و نمی‌توانستم یک لحظه بدون مواد سر کنم. به این ترتیب دوباره کیف‌بازی‌ها را از سر گرفتم. او همچنین اعتراف کرد به بیشتر سرقتها‌هایش را در خیابان‌های ۱۷ شهریور، خاوران، شوش، بزرگراه شهید محلاتی، بلوار ابوذر و بلوار نبرد مرتکب شده است. در همین حال ماموران در بازرس از متخکبه‌های متهم تعداد ۳۰ فقره کارت عابر بانک و کارت‌های شناسایی افراد مختلف را کشف کردند. بر اساس این گزارش ، علی تاکنون ارتکاب ۱۰ فقره کیف‌بازی را بر عهده گرفته است و بازجویی‌های وی برای افشای سایر جرایمش ادامه دارد. سرهنگ علی غیاثوند، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران در این باره گفت: با توجه به اعترافات متهم، به نظر می‌رسد تعداد سرقت‌هایش بسیار بیشتر از اعترافاتش باشد. به همین دلیل از شهروندانی که در ماه‌های اخیر کیف آنها توسط یک موتورسوار قاپیده یا زورگیری شده است، دعوت می‌شود برای شناسایی متهم به پایگاه هفتم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

شرق: صبح دیروز عامل جنایت پل مدیریت در ملاءعام و نزدیک محلی اعدام شد که چند ماه قبل قاتلی دیگر، متهم پرونده قتل در میدان کاج به‌دار آویخته شده بود. حالا این پرونده هم بسته شده است.

ساعت چهار صبح است. میله‌های داربست، نورهای سرگردان قرمز و آبی و یک پارچه نویس عرایچی هستند که محل اجرای حکم را نشان می‌دهند. زمینی بابر در خیابان مدیریت. خیابان بسته شده و عبورومرور فقط برای عابران پیاده مجاز است. هنوز خیابان ساکت و آرام است اما کمی آن‌طرف‌تر پشت درهای زندان لوین یک اعدامی لحظات سختی را می‌گذراند. کوشا جوان ۲۳ ساله. او می‌داند قرار است تا ساعاتی دیگر قصاص شود؛ همان‌جایی که مهسا‌امین فروغی هم‌کلاسی‌اش را به قتل رساند. آریا آقاسی، وکیل مدافع اولیای‌دم در زندان حاضر شده و مقدمات اجرای حکم و کارهای اداری در حال انجام است. کوشا را از سلول انفرادی بیرون می‌آورند و او را روی نیمکتی مقابل دفتر قاضی کشیک می‌نشانند، لروزش پیراهن او اضطراب دروشت را نشان می‌دهد.

این سوتر مردم به تدریج به سمت محل اجرای حکم می‌آیند، بیشتر آنها جوانانی کمتر از ۳۰ سال هستند. داربست‌ها زده‌شده، ماموران محوطه را بسته و با فاصله‌های معین در محل اجرای حکم ایستاده‌اند تا کسی وارد منطقه ویژه نشود.

در میان جمعیت، مردی با موهای جوگندمی هم دیده می‌شود. او میبوت به مردم نگاه می‌کند و حرف‌های آنها را گوش می‌دهد. دختری می‌گوید، فکر می‌کنم رضایت بدهند خدا کند این کار را نکنند. پسری می‌گوید من که فکر نمی‌کنم. یکی دیگر مرگ را حق کوشا می‌داند. هرکس نظری دارد و مرد میانسال با چشمان هراسان به دهان آنها چشم دوخته است. طاقتش تمام می‌شود و مرتب چهارپاره را بالا و پایین می‌ورد. اصرار دارد وارد محوطه اعدام شود اما اجازه ورود نمی‌دهند. حدود ۲۰۰ نفر در آن محدوده ایستاده‌اند و منتظر هستند، مقربه ساعت، عدد پنج را نشانله برود. زمان می‌گذرد اما خبری از ماشین انتقال محکوم نیست.

یک ساعت دیگر می‌گذرد و باز هم خبری نیست. مرد میانسال همچنان هراسان بالا و پایین می‌رود. ساعت شش چند مرد قوی‌هیکل به سمت داربست می‌روند. کیسه سیاه رنگی دست آنهاست. طناب‌دار را در آن گناشته‌اند. چند دقیقه‌ای زمان لازم است تا طناب روی داربست گره زده شود. حالا دیگر همه می‌دانند تا دقایقی دیگر کوشا را به محل اجرای حکم می‌آورند، طناب سبز رنگ با وزش باد می‌رقصد؛ رقص مرگ.

ساعت ۶:۱۰ دقیقه است صدای آگروز ماشین‌ها و نور چراغ‌های گردان دوباره توجه‌ها را جلب می‌کند خودرو مخصوص زندان وارد محوطه می‌شود. کوشا حالا دیگر آخرین لحظات زندگی‌اش را سپری می‌کند. آمبولانس حمل جسد هم آمده است. قضات شعبه اجرای احکام در محل حاضر می‌شوند، ماشین دیگری توقف می‌کند و مردی از آن پیاده می‌شود. توجه‌ها به سمت او جلب می‌شود. او پدر مهساست، حال خوبی ندارد، روی زمین می‌نشینند و از سرباز می‌خواهد به او آب بدهد. چند جره آب می‌خورد و دوباره می‌ایستند. لروزش عجیبی دارد

شرق: پنج قاضی جنایی برای صدور حکم مردی که یک پدر و پسر را به دلیل طلب ۶۰۰هزار تومانی به قتل رسانده است، وارد شور شدند.

این متهم که حسین نام دارد در شعبه ۱۶ دادگاه کیفری استان خوزستان محاکمه شد و اتهام قتل مرد بدحکار و پسر هفت‌ساله او را قبول کرد. در این جنایت که روز ۲۹دی سال گذشته رخ داد حسین، مرد بدحکار به نام جعفر را به ساختمان نیمه‌کاره‌ای در شهر بندر امام(ره) کشاند و با شلیک گلوله از یک سلاح دست‌ساز، او را به قتل رساند و جسد او را دفن کرد. متهم سپس به خانه مقتول رفت و با همسر جعفر درگیر شد. کودک هفت‌ساله این زن وقتی ماجرا را دید ترسان از خانه بیرون دوید تا همسایه‌ها را خبر کند تا مادرش را نجات بدهد اما متهم این پسرپچه را که صادق نام داشت با ضربه داس به قتل رساند و سپس مادر کودک را مورد ضرب و جرح قرار داد.

حسین بعد از دستگیری به جرمش اقرار کرد و

پرونده او مراحل مقدماتی را گذراند تا اینکه جلسه محاکمه در شعبه ۱۶ دادگاه کیفری استان خوزستان تشکیل شد. در این جلسه نماینده دادستان خواستار مجازات متهم شد و اولیای‌دم در خواست صدور حکم قصاص کردند. در ادامه وکیل ششایک در جایگاه قرار

۷۵ کشته در انفجار خط لوله سوخت

ایسنا: انفجار خط لوله سوخت در کنیا دست‌کم ۷۵ نفر را کشت، با وقوع این انفجار در «ایروبی» ویرانی چندین خانه و آوارگی تعداد زیادی را در پی داشت. به گفته مقامات کنیا، اعلام دقیق میزان تلفات امکان‌پذیر نیست زیرا بسیاری از قربانیان به شدت سوخته‌اند. پلیس کنیا اعلام کرد تعداد ۱۱۸ نفر نیز به بیمارستان نایروبی منتقل شده‌اند. به گفته پلیس علت وقوع این انفجار مشخص نیست. در سال ۲۰۰۹ نیز، در پی وژاگوئی تانکر نفت در غرب کنیا صد نفر جان خود را از دست دادند.

افزایش قربانیان سیل در تایلند

واحد مرکزی خبر: جاری شدن سیل در تایلند ۸۲ نفر را گرفت و باعث تأخیرشدن دست‌کم چهار نفر دیگر شده است. بارش باران‌های استوایی در سه ماه گذشته و جاری شدن سیل در نواحی مختلف تایلند علاوه بر گرفتن قربانی، خسارت‌های فراوانی نیز به ساکنان این مناطق وارد آورده است به شکلی

حوادث

پایان پرونده جنایت در پل مدیریت

حکم قصاص «کوشا» اجرا شد



آن‌سوتر همان مرد مضطرب همچنان سعی می‌کند وارد محوطه نشود، اما اجازه نمی‌دهند. او پدر کوشاست و به آنجا آمده تا آخرین تلاش‌هایش را بکند و به پای پدر مهسایبفتد.

در ون مخصوص حمل زندانی باز می‌شود. کوشا

بیرون می‌آید او به شدت لاغر شده و موهایش را تراشیده‌اند. پاهایش می‌لرزد و نمی‌تواند بایستد، پدر مهسا دوباره روی زمین می‌نشیند و صورتش را از روی کوشا برمی‌گرداند، گریه می‌کند و کمی آب می‌خورد.

این‌سوی محوطه پدر کوشا روی زمین می‌نشینند نفسش به شماره افتاده است، کسی او را بلند

حکم او را به سمت چوپهدار می‌برند، پدر مهسا فقط گریه می‌کند و می‌گوید نمی‌تواند این صحنه را ببیند.



از زیر پای کوشا کشیده می‌شود، حالا این‌سو و آن‌سوی محوطه دو مرد میانسال (پدر کوشا و پدر مهسا) برای لحظاتی روی زمین می‌نشینند و به شدت گریه می‌کنند. ۳۶۵ ثانیه سخت برای کوشا آغاز شده است. سکوت سنگینی حکم است. صدای نفس‌های

اعدام پنج قاچاقچی موادمخدر

فارس: سه نفر از قاچاقچیان کراک و هروئین که از سوی دادگاه انقلاب اسلامی قم به اعدام محکوم شده بودند، صبح دیروز به دار آویخته شدند. متهم اول «م.م.» نام داشت که به همراه همسرش اقدام به قاچاق پنج کیلو و ۳۰۰گرم هروئین از مشهد به قم کرده بود. حکم اعدام او از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی قم صادر شد و پس از تأیید حکم اعدام در دادستانی کل کشور و همچنین رد شدن دوباره تقاضای عفو وی، اجرا شد. متهم دوم به نام «ع.ب.» نیز یک محموله کراک را در تایباد از قاچاقچیان تحویل گرفته بود و قصد داشت آن را به افرادی در مشهد، تربت‌جام، تربت‌حیدریه، گرگان و قم برساند که در عوارضی قم– کاشان شناسایی شد و پس از رفتن به منزل یکی از همدستانش در آنجا همراه صاحب‌خانه دستگیر و از او چهار کیلو و ۹۷۵گرم کراک کشف شد. این متهم در سال ۸۳ نیز با ۳۷۰ کیلوگرم تریاک در جاده بیرجند دستگیر شده و به حبس ابد محکوم شده بود که وی در فرصت مرخصی از زندان نیز اقدام به قاچاق موادمخدر می‌کرد. متهم دیگری که دیروز طناب دار بر گردن وی انداخته شد، «م.د.» نام داشت که به همراه همسرش اقدام به قاچاق موادمخدر می‌کرد. این متهم که دو بار کراک به قم منتقل کرده بود، در قرار دوم به همراه همسرش دستگیر و از وی هشت کیلو و ۸۹۲گرم کراک کشف شد. در همین حال رییس کل دادگستری سمنان از اجرای احکام پنج نفر از مرتکبان جرایم سنگین موادمخدر، در این استان خبر داد. احمد سیاوش‌پور اظهار داشت: احکام اعدام پنج زندانی به جرم قاچاق موادمخدر که در دادگاه انقلاب اسلامی سمنان مستقر در شاهرود صادر شده بود، بعد از تأیید در دادستانی کل کشور و طی تشریفات قانونی روز دوشنبه در زندان شاهرود اجرا شد. سیاوش‌پور با بیان اینکه هر کدام از این قاچاقچیان موادمخدر دو بار تقاضای عفو کرده بودند، گفت: پس از انجام بررسی‌های لازم و احراز نشدن شرایط عفو و بخشودگی، در نهایت حکم متهمان به اجرا آمد.

قتل پدر و فرزند برای طلب ۶۰۰هزار تومانی

متهم در جلسه دادگاه ادعا کرد زمان قتل کودک ۷ساله در حالت عادی نبود

گرفت و با تشکیک در انگیزه قتل، یکی از پسران متهم را به این دلیل که نگهدار ساختمان نیمه‌کاره محل وقوع جنایت بود، متهم کرد. او گفت: «مندرجات کیفرخواست و اقدامات انجام‌شده توسط مرجع قضایی محل وقوع قتل، اولیای‌دم را قانع نکرده و همه موارد از سوی دادرسی محل بررسی نشده است. در نتیجه تحقیقات ناکافی است. اولیای‌دم اعتقاد دارند دریافت ۶۰۰هزار تومان که به عنوان انگیزه از سوی متهم عنوان شده، انگیزه قابل‌قبولی برای ارتکاب دو قتل نیست. همچنین با توجه به اینکه فرزند متهم در شب حادثه نگهدار ساختمان بود، اعتقاد بر این است که قتل با مشارکت افراد دیگری انجام شده است. متهم در جریان تحقیقات گفته سلاح را پسرش از خانه آورده و به پدرش داده بود.»

خاتون- همسر جعفر- نیز در ادامه این جلسه خطاب به قضات گفت: «شوهرم پیمانکار بود. روز حادثه، پسران متهم به در منزل ما آمدند و سراغ شوهرم را گرفتند، من

پدرش داده بود.»

خاتون- همسر جعفر- نیز در ادامه این جلسه خطاب به قضات گفت: «شوهرم پیمانکار بود. روز حادثه، پسران متهم به در منزل ما آمدند و سراغ شوهرم را گرفتند، من پدرش داده بود.»

ازدواج در آسمان

آسوشیتدپرس: عروس و دامادی در اوهایو آمریکا ازدواج‌شان را در آسمان جشن گرفتند. این زوج در ارتفاع دوهزارو ۲۵۰ متری با پریدن از هواپیما ازدواج‌شان را جشن گرفتند. این زوج پس از برگزاری جشن ازدواج‌شان در هواپیما تصمیم گرفتند با چتر از هواپیما بیرون ببرند. این عروس ۵۴ساله و همسر ۸۱ساله‌اش است.

حاضران را می‌توان شنید. کوشا به خود می‌پیچد و پاهایش میان زمین و آسمان تاب می‌خورد. ۳۶۵ ثانیه زمان لازم بود تا او جان بدهد و دمپایی‌های زندان یک به یک از پاهایش بیفتد. ساعت برای کوشا روی ۶:۲۴ دقیقه برای همیشه می‌ایستد.

هردو مرد میانسال از زمین بلند می‌شوند و به سمت ماشین‌های خود می‌روند. هردو اشک می‌ریزند و در سکوت به راه خود ادامه می‌دهند. هنوز سکوتی مرگبار در فضا حاکم است و بعد از چند لحظه، فقط می‌توان صدای دو چیز را شنید، صدای کشیده شدن کبریت و لخلخ کشش‌های حضارانی که بهترزده به هم نگاه می‌کنند و متفرق می‌شوند.

دستور پایین آمدن جسد از سوی رییس دادرسی جنایی تهران صادر می‌شود، کاور سرمه‌ای‌رنگ صورت سفیدرنگ کوشا را دربرمی‌گیرد، قبل از بسته‌شدن زیپ کاور، پزشک قانونی، جسد را معاینه می‌کند و روی برگه تأییدیه می‌نویسد، زمان مرگ ۶:۲۴ ومهر گواهی فوت به کاغذ کوبیده می‌شود.

دوربین‌ها پدر مهسا را احاطه می‌کنند. او می‌گوید حالش خوب نیست، نمی‌تواند حرف بزند. او در تمام این لحظه‌ها نتوانسته بود سرش را بچرخاند و صحنه جان دادن قاتل فرزندش را ببیند. پدر مهسا تصمیم نداشت در محل اجرای حکم حاضر شود. او در راه رفتن بر مزار دخترش بود که برگشت و به خیابان مدیریت آمد. خبرنگاران پشت سر هم از او سوال می‌پرسند و این مرد مرتب تکرار می‌کند حالش اصلا خوب نیست. او فقط یک جمله می‌گوید: چرا باید در جامعه ما این همه خشونت بلدش؟

پدر کوشا بعد از اجرای حکم در تماس تلفنی به خبرنگار ما می‌گوید: دوشنبه‌شب به دیدن کوشا رفتم. حالش خیلی بد بود و حرف نمی‌زد خیلی خیلی خالی شد بد بود. مدرش نتوانست کوشا را ببیند. ما فکر می‌کردیم چند روزی زمان می‌برد تا تفاضل دیه را تأمین کنند و به همین دلیل همسرم خیالش راحت بود که این چند روز اعدامش نمی‌کنندو برای انجام کاری واجب به شهرستان رفت. نتوانست کوشا را برای آخرین‌بار ببیند و نمی‌دانم بتواند زیر بار این فشار دوام بیاورد یا نه.

او می‌گوید: بعد از اینکه از زندان بیرون آمدم به مقابل خانه امین‌فروغی‌ها رفتم هرچه زنگ زد در را باز نکردند چراغ‌ها خاموش بود. به تلفن همراه پدر مهسا زنگ زدم وقتی متوجه شد من هستم گوشی‌اش را خاموش کرد. حدود ساعت سه صبح بود که از مقابل خانه مهسا به محل اجرای حکم آمدم و لحظاتی را گذراندم که هرگز فکر نمی‌کرد توان تحمل آن را داشته باشم. فقط پدر مهسا می‌دانم من چه می‌گویم. او حکم را اجرا کرد. به من گفته‌اند امروز می‌توانم جسد را تحویل بگیرم.

پدر کوشا می‌خواست اعضای بدن فرزندش را اهدا کند اما پزشکان به او گفته‌اند امکان‌پذیر نیست. او می‌گوید: بعد از اجرای حکم درخواست کردم جسد را به من بدهند تا اعضای بدن کوشا را گذرانم اما گفتند تشریفات قانونی طول می‌کشد و امکان اهدای آن در آن زمان وجود ندارد و من باز هم نتوانستم آخرین کار را برای پسرم انجام دهم.

پرت کرد، پس از آن جیغ کشیدم و از او پرسیدم پسرم کی‌جاست؟ و او گفت «دارند توی حیاط سرش را می‌برند!» بعد من را کتک زد و با داس دستم را پاره کرد و گفت: شوهرت را کشته‌ام، تو را هم می‌کشد. بعد با قوری داغ صورتم را سوزاند. از ساعت هشت تا ۱۱ شب در برابر او مقاومت کردم. می‌خواستت سرم را ببرد که همسایه‌ها آمدند و او را گرفتند. من صحنه قتل پسرمر را ندیدم ولی با چشمان خودم دیدم یکی از پسران متهم در حیاط خانه بود.

پس از پایان اظهارات این زن، متهم به دفاع از خودش پرداخت و گفت: ۶۰۰هزار تومان پول از جعفر می‌خواستم. قرار بود خانم‌اش را به قیمت شش‌میلیون تومان از او بخرم و به همین دلیل ۶۰۰هزار تومان پول دستی به او داده بودم. برای همین طلب هم او را کشتم، حسین درباره علت قتل صادق نیز گفت: «در ساختمان نیمه‌کاره شیشه مصرف کرده بودم و هوش و حواس درست و حسابی نداشتم. وقتی به خانه جعفر رفتم، با همسر او درگیر شدم و صادق به من سنگ پرت می‌کرد و من هم او را کشتم.» او می‌خواست همسایه‌ها را خبر کند ولی من با داس یک‌ضربه یا دو ضربه به او زدم.» بنا بر این گزارش، بعد از اتمام دفاعیات متهم، هیات قضات وارد شور شدند و به زودی حکم را اعلام می‌کنند.

پنج قاره

شدن سیل و خسارات فراوانی به اموال عمومی و شخصی وارد کرد.

معبد غیراخلاقی

باشگاه خبرنگاران جوان: دادستانی ایالت آریزونا اعلام کرد: بیش از ۲۰ نفر به اتهام ارتباط با معبدی که در آنجا در ارای پول، خدمات جنسی به مراجعان ارائه می‌شد، دستگیر شده‌اند. راز این معبد که به «معبد الهه» موسوم است، در جریان تحقیقات شش‌ماهه فاش شد. بنیان‌گذار معبد الهه وجود فحشا در این محل را رد کرده و به گفته او پول پرداخت‌شده به معبد، ائنه بوده است. در حال حاضر جست‌وجوی پلیس برای دستگیری حداقل ۲۰ مظنون دیگر ادامه دارد.

توفان خسارت‌بار در آلمان

واحد مرکزی خبر: توفان شدید همراه با رعد و برق و سیل، خسارات زیادی در شرق آلمان به بار آورد. مقامات محلی در سزاندل در شرق آلمان اعلام کردند: بارش باران و توفان بسیار شدید نیمه‌شب دوشنبه همراه با رعد و برق باعث از جا کنده شدن سقف برخی خانه‌ها، رانش گل و لای و جاری

ادامه از صفحه اول

گفت‌وگو با جیمز بیکر

۴ در جنگ خلیج‌فارس که صدام علیه کویت اقدام کرد، آیا بازگشت آمریکا به منطقه برای رابطه جدید با خاورمیانه بود؟

بله. آمریکا کوشید صدام حسین را با مابغی جدی روبه‌رو کند که این امر به مفهوم قدرت آمریکا نیز مطرح بود. تجاوز به خاک کویت توسط صدام، نوعی تجاوز به دیگر مناطق اعراب بود و کشورهای عرب هم طبعاً واکنش منفی زیادی نشان می‌دادند و افکار عمومی جهان هم شورای امنیت سازمان ملل متحد را وادار کرد تا ببذرد که کشوری مانند آمریکا در آن مسأله دخالت کند و عراق را به سر جای خود و مرزهای واقعی خود بازگرداند و کویت را نجات بدهد.

۴ بعد از آن بود که شما شاید به دنبال سقوط صدام بودید و کردها را بهترین دوست یافتید. آیا آمریکا وعده استقلال را هم به کردهای عراق داده بود یا نه، فقط هدف جلب نظر و کسب حمایت آنان بود؟

آمریکا به دنبال تنبیه صدام حسین بود و اصلاً و ابداً آمریکا قصد دفاع از استقلال منطقه کردستان را نداشت. من به عراق رفتم و وضعیت آشفته کردها را از نزدیک دیدم که صدام به آنان حمله کرده بود و کشور ترکیه هم مرزهایش را بسته بود و هزاران نفر تلف شدند. بسا آوارها حرف زد و وضعیت اسفبارشان را دیدم. به پرنزیدنت بوش تلفن زدم و گفتم که این اتفاق یک کلبوس است و یک فاجعه انسانی و باید برای رهایی این انسان‌ها اقدامی کنیم. مشاهده کردید که مدار ۳۶ درجه و منطقه پروازی و... را تعیین کردیم و رهبران کرد، یعنی طالبانی و بارزانی به اداره منطقه پرداختند. در ۱۹۹۱ من در سیاست کابینه دخالت داشتم و فقط درباره بخش اول سوال شما پاسخ گفتم و موضوع ۲۰۰۳ را باید از شخص مربوطه به آن سوال کنید.

۴ در آن زمان نقش رهبران کرد برای شما چه اهمیتی داشت؟

ما از نظر سیاسی و استراتژیکی به حل مسأله کرد باور داشتیم. به عنوان وزیر خارجه آمریکا در آن زمان با جلال طالبانی و مسعود بارزانی دیدار کردم و به وضعیت کردها و اوضاع کردستان در حکومت صدام و قبل از آن چنین نظری داشتم که باید به شیوهای دیپلماتیک و اصولی این مسأله حل‌وفصل شود و ما به هیچ‌وجه از کردستان مستقل یا استقلال کردستان و... حمایت نکردیم، بلکه خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق بودیم؛ اما بر این باور بودم که این مسأله باید به شیوه مسالمت‌آمیز در منطقه حل شود و نزاع‌ها به شیوه دیپلماتیک برطرف شود و به نوعی آن بخش از عراق امنیتیش تأمین می‌شد. ۴ آیا کردها در معادلات سیاسی منطقه مهم هستند؟

بله! به خصوص کشوری که بعد از فروپاشی سیستم قبلی‌اش، دوباره می‌خواهد مبادرت به اداره آن کند با مشکلاتی مواجه می‌شود. ولی امروزه کردستان عراق امنیت دارد. اما کردها باید شیوه استراتژیک پیشرفت امور را در سیاست کشور خود جست‌وجو کنند و طالبانی هم در این زمینه سیاست درخشانی داشت. طالبانی انسانی بارز و چهره سیاسی بسیار موجهی دارد.

۴ راه‌حل عملی برقراری ثبات صلح در عراق چیست؟

من هم خودم پیرو رئالیسمم و پراگماتیسمم (عمل‌گرایان) در سیاست هستم و برای کسب نتیجه دلخواه در سیاست خارجی باید تمرین داشت. من در گزارش عراق هم نوشته‌بودم که باید با سوریه و ایران به عنوان دو همسایه مهم این کشور وارد گفت‌وگو شد تا آرامش را در این کشور بهتر بتوان برقرار کرد.

۴ گفت‌وگو چه تأثیری بر روابط این دو کشور دارد؟

ما نیاز به گفت‌وگو داریم و گفت‌وگو ضرری برای منافع طرفین ندارد و حتی سیاست ما برای انجام گفت‌وگو در سطح وزارت خارجه بود اما به اندازه کافی پشتیبانی سیاسی نشد و شاید امروز هم امکانش چندان به سادگی نباشد.

۴ آیا اوپاما این سیاست گفت‌وگو را ادامه خواهد داد؟

لازم است. اوپاما گفت که ما حاضریم با شما گفت‌وگو کنیم و اساس استراتژی گفت‌وگو می‌تواند کمک باشد و هیچ ضربه‌ای هم به منافع وارد نخواهد کرد و دیر یا زود این عمل انجام خواهد شد.

رخداد

مشتی که عروسی را به عزائ تبدیل کرد

■ ایسنا: مردی دریک مراسم عروسی را با زدن مشت به سینه فرد بدحکار به عزأ تبدیل کرد. محمد اندرخو، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان گمیشان از توابع استان گلستان با اعلام این خبر گفت: در تحقیقات اولیه از شاهدان صحنه جرم مشخص شد متهم در مراسم عروسی با ادعای اینکه از مقتول طلبکار است با وی درگیر شد. وی افزود: در این درگیری پس از وارد شدن ضربه‌ای مشت به قفسه سینه مقتول، وی به درمانگاه منتقل و با معاینه پزشک، مرگ او تأیید شد. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان گمیشان تصریح کرد: در بازجویی‌ها، متهم نیز درگیری را مقول و وارد کردن ضربه مشت به او را تأیید کرد. به گفته اندرخو، هم‌اکنون متهم روانه زندان شده است.